

چرا صنایع دستی ایران مدیون سرزمین هزاره‌های مروت است؟#۴۷; تنها آلبوم سنگی جهان در تخت جمشید

اشیای زینتی و صنایع دستی به دست آمده از اکتشاف‌های باستان‌شناسان که در موزه باستان تخت جمشید وجود دارد، گواه این ادعاست که سرزمین هزاره‌ها در مروت مهد عرضه و ارائه تلفیق هنر و صنعت بوده است. همچنین سفال‌های منقوش و منحصر به فرد منطقه مروت با نام سفال تل باکون و هنر معماری سنگی تخت جمشید، که تنها آلبوم سنگی جهان به حساب می‌آید.

به گزارش سایت خبری پرسون، در حدود ۸ هزار سال قبل که به عصر نوسنگی معروف است، مردمی در منطقه وسیعی در آسیای جنوب غربی زندگی می‌کردند که برای نخستین بار در گروه‌های کوچک جمع آمده، در یک مکان ساکن شدند و نخستین دهکده‌ها را به وجود آوردند.

آثار به دست آمده از دوران پارینه سنگی، میان سنگی و پار نوسنگی، گواه بر فعالیت انسان در ساخت ابزار و وسایل سنگی چون تیغه است. در این رابطه آلدوز روستایی، کارشناس صنایع دستی استان فارس نوشته است: ابزارهای دنداندار و به شکل‌های مختلف هندسی در مکان‌هایی مانند بیستون و غارهای هوتو و کمر بند به دست آمده گواه این ادعاست.

انسان دوران نوسنگی با الهام از همان شکل‌های طبیعی و با آمیختن آب و خاک، نخستین ظرف‌های سفالی را ساخت و ناخواسته پا به عرصه‌ای گذاشت که بعدها ابتکار و اقدام او در ساخت وسایل زندگی، صنایع دستی نام گرفت.

صنایع دستی در واقع محصولات و هنرهایی هستند که از مواد اولیه بومی هر منطقه و به کمک دست یا ابزارهای دستی ساخته می‌شوند. ایران با تمدن چند هزار ساله خود با این صنعت بیگانه نیست. صنایع دستی همچون میراثی ارزشمند از نسل‌های پیشین به بشر امروزی رسیده است. شاید زمانی تصور این هم نمی‌رفت که آثار مردان و زنان سخت‌کوش در جای‌جای جهان که یا به ضرورت نیاز زندگی و یا برحسب ذوق هنری ساخته و تولید می‌شد، مورد توجه قرار گیرد و به یک صنعت تبدیل شود.

سرزمین هزاره مروت با دارا بودن بافت محلی و بومی غنی خود چه از نظر جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی و چه از نظر برخورداری از هنر هنرمندانی که خلق آثار آنان از چند هزار سال پیش تاکنون مورد توجه بوده و مصداق بارز آن را می‌توان در سفال‌های منقوش و منحصر به فرد منطقه بانام سفال تل باکون و هنر معماری سنگی تخت جمشید که تنها آلبوم سنگی جهان است، به چشم دید، همواره زبانزد جهانیان بوده است. سرزمین پرافتخار مروت با دارا بودن پنج بخش، دومین شهر پرجمعیت استان فارس و با قدمتی چند هزار ساله، در حوزه صنایع دستی همیشه حرفی برای گفتن داشته است.

هر چند ساخت صنایع دستی از گذشته‌های دور در این سرزمین وجود داشته و مردم منطقه برحسب مقتضیات مکان و زمان و نیازهای جامعه آن روز مبادرت به خلق آثار می‌کردند که برای بشر امروزی شگفت‌آور است، اما در سال‌های اخیر این تلفیق هنر و صنعت که روزگاری برحسب ضرورت اجتناب‌ناپذیر دوران خود شکل می‌گرفت، توانسته است با رویکردی چندوجهی نظر علاقه‌مندان به هنرهای سنتی را جلب کند.

اگر از زمان شکل‌گیری و دوران نخستین پیدایش نشانه‌های زندگی بشری در این منطقه بگذریم (که البته آن نیز در جای خود و در حوزه هنرهای بومی منطقه بسی سخن‌ها و رازها برای گفتن و نوشتن دارد) و پا فراتر نهاده و توقفی در زمان هخامنشیان که به اذعان بسیاری اوج درآمیختگی هنر و صنعت ایران بوده است، داشته باشیم، هنر دیرین منطقه مروت و پویایی و تلفیق هنر سنتی و صنعتی منطقه ملموس‌تر به نظر می‌رسد.

اشیای زینتی و صنایع دستی به دست آمده از اکتشاف‌های باستان‌شناسان که در موزه باستان تخت جمشید وجود دارد، گواه این ادعاست که سرزمین هزاره‌ها مروت مهد عرضه و ارائه تلفیق هنر و صنعت است.

گل‌میخ مفرغی و میخ سر طلا وابسته به تزیینات معماری، اشیای تزیینی سنگی به نام چشم‌های مصنوعی به کار رفته در تزیین مجسمه‌های سنگی، جوغن و یا همان هاون سنگی که از سنگ کوه تراشیده شده و برای آسیاب کردن و کوبیدن مورد استفاده قرار می‌گرفته، عطر دان از جنس سنگ مرمر سفید با تراش خاص و دورانی، دستبند و گردن بندهای سنگی و موارد بی‌شماری از این دست که در موزه تخت جمشید به نمایش گذاشته شده، خاطر هر بیننده‌ای را مفتخر به داشتن پیشینه‌ای ارزشمند با صنعت هنری پیشرفته در آن زمان می‌کند.

پرواضح است اگر به یقین تمام این اکتشافات را محصول دست مردم این منطقه قلمداد نکنیم و با اذعان به این امر بدیهی که در زمان هخامنشیان هنر و صنعت به جای مانده در منطقه مروت و به ویژه تخت جمشید و امادار مهارت و هنر هنرمندان از اقصای نقاط قلمرو حکومتی هخامنشیان بوده است، این امر باز هم، سرزمین تاریخی مروت و بومیان هنرمند این خطه را از تلقی مهد تمدن و بستری غنی برای عرضه و ارائه تلفیق و هنر، جدا نخواهد کرد.

صنایع دستی که در ابتدا و نه با این نام، که برای رفع احتیاجات روزمره بومیان سرزمین مروت، مانند سایر جوامع بشری در گذشته‌های وجود آمده

بود، به تدریج رشد و تکامل پیدا کرد و امروزه همان صنایع دستی در جای جای مناطق آبادی نشین سرزمین مرودشت، نشان دهنده پیشینه فرهنگ نشان و هنر آن منطقه است.

بافته های داری و غیر داری یا زیراندازها که به دلیل کاربردی بودن این محصولات در کنار هنری بودن آن، توجه غالب مردم دنیا را به خود جلب کرده است، تنوع و قدمتی قرین قدمت سرزمین هزاره ها مرودشت را دارد. تولید دست بافته ها، به عنوان یکی از قدیمی ترین صنایع دستی خطه مرودشت، در اکثر نقاط جغرافیای عشایری، روستایی و حتی شهری مرودشت از قدیم تا کنون رواج داشته است. تنوع این محصولات که به طور عمومی به عنوان کف پوش استفاده می شده اند، تقریباً با تنوع فرهنگ این منطقه برابر است. قالی بافی، گلیم بافی، اُبی بافی، دولایه بافی، شیششه درمه بافی، سیاه چادر بافی، زیلوبافی و نمد مالی سنتی در این بخش از صنایع دستی مرودشت قرار می گیرند.

پای افزار گیوه که خنک، سبک و قابل شستشو است و به دلیل ویژگی هایی که مطرح شد در میان روستاییان و کشاورزان، از گذشته تا امروز مورد استفاده قرار می گیرد هم چنان در برخی از مناطق مرودشت از جمله روستای کندازی و دشتک رواج دارد.

سبد نوع دیگری از بافتنی های چوبی منطقه مرودشت به ویژه در گذشته بوده که با استفاده از شاخه های ریز درختان محلی از جمله انار و یا بادام کوهی ساخته و معمولاً استفاده می شود، از جمله جای نان، جای لباس شسته، جای غلات و میوه، ساخت این سبدها با مصالح و مواد ارزان در منطقه بدون استفاده از دستگاه ها انجام می شده و بسیار اهمیت داشته است.

متأسفانه امروزه به دلیل تغییرات اقلیمی و پوشش گیاهی مورد نیاز این هنر، از تولید سبدها کاسته شده است و فقط در بخشی از مرودشت بومیان منطقه، هرچند به طور محدود، به این کار مشغول هستند. تراش سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی، سفالگری، سنگ تراشی و حجاری سنگ و صنایع دستی چوبی از دیگر رشته های غالب و مورد اقبال هنرمندان امروزی خطه مرودشت به شمار می رود.